

گفت‌وگو با گروه دال

ما خلاف جریان رایج ناامیدی در حرکتیم



عکس: پیرام علی

نداشته باشند. وگرنه می‌توانید قطعه‌ای از آقای تجویدی را در نظر بگیرید که سه‌سال‌های سال است که شنیده شده و هنوز هم بازخوانی می‌شود و هیچ‌وقت هم کهنه و قدیمی نمی‌شود.

✎ **شاید سؤال را بد مطرح کردم. بعضی از موسیقی‌ها مثل مرغ سحر هستند که فراموش نمی‌شوند اما انگار سبک و سیاقشان کنار گذاشته می‌شود. برای ماندگاری چقدر باج می‌دهید؟**

میلاد: نمی‌شود نسخه پیچید که اگر باج بدهیم ماندگار می‌شویم.

✎ این اتفاقی است که الان دارد می‌افتد. بعضی از گروه‌ها دست و پا می‌زنند که ماندگار شوند.

شایان: الان جامعه بعد از ۴۰،۳۰ سال متوجه شده که باید رو به جلو حرکت کند. ما هم جزئی از همین جامعه هستیم و آثارمان در دل همین جامعه تولید می‌شود و با آن حرکت می‌کنیم. طبیعتاً ایده‌های جدیدی خلق می‌شود که ممکن است در زمان خودش مخاطبش را پیدا کند. بعد دوباره ایده جدیدی به وجود بیاید. این به خاطر همان گذر سریع است که گفتیم. الان ما به‌سرعت به سمتی حرکت می‌کنیم که تاریخ مصرف هنرمان هم به همان نسبت کوتاه می‌شود. در اروپا یک روش یا جریان ممکن است ۱۰ سال روی بورس بماند اما در ایران به یک سال رسیده است. الان هرکسی طلایدار قضیه است و برای اولین‌بار ایده‌ای را مطرح می‌کند، تمام توجه‌ها را به سمت خودش جلب می‌کند.

✎ دفعه‌تان این است که نجات‌دهنده باشید؛ درست است؟

شایان: شاید. نمی‌دانم. اما به‌شخصه تمام فکر و ذکرم این است که برای آلبوم دوم باید نواوری و حرف تازه‌ای صورت بگیرد که تکرار و تقلید نباشد و صرفاً به سمت چیزی که دارد جواب می‌دهد، حرکت نکنیم.

✎ از آلبوم بعدی چند قطعه آماده دارید؟

شایان: الان همه چیز در حد اتود است. برای آلبوم بعدی هم مثل آلبوم اول، یک راه باید پیدا شود. وقتی پیدا شود با سرعت بیشتری پیش می‌رویم. در آلبوم اول شاید هفت، هشت ماه وقت صرف این کردیم که موسیقی گوش کنیم، تمرین کنیم و با هم به توافق برسیم. بعد که کلید را پیدا می‌کنیم، دیگر قدم‌های بعدی مشخص‌تر است.

یزدان: اینکه می‌گویید اقبال عمومی از یک شیوه یکدفعه از بین می‌رود و به سمت دیگری متمایل می‌شود، نکته‌ای است که نمی‌شود از آن چشم‌پوشی کرد. اینکه چقدر این آسیب اجتماعی است، احتیاج به تحلیل جامعه‌شناسی دارد. اما نتیجه اینکه شاید آن اثر یا جریان، دارای عمق و جالفاقدگی نبوده که اقبال آن در قالب یک موج باقی مانده یا ما عادت کرده‌ایم که سریع و کوتاه‌مدت زندگی کنیم. ما همیشه فکر کرده‌ایم که چقدر تأثیر می‌گذاریم. حتی اگر آن تأثیر در آن مقطع زمانی، موج عظیمی از مخاطب را به سمت یک گروه یا آهنگ برنگرداند، یعنی اگر اقبال کمتر باشد اما اثر عمق و ارزش بیشتری داشته باشد، تداوم بیشتری دارد تا ایجادکردن موج و فروکش کردن آن. چون از آن اثر و مخاطب چیزی باقی نخواهد ماند.

در مقایسه با جامعه غربی، ما حداقل ۴۰،۳۰ سال عقب هستیم؛ مثلاً در دهه ۴۰ه میلادی، در اروپا و آمریکا، جوان‌ها تغییراتی در موسیقی جز و موسیقی بلوز ایجاد می‌کردند که در زمان خودش جدید بود. همیشه هم به‌روزترین امکانات در دست‌رسان بود و مارکتشان آن قدر رقیب بود که به پشتوانه آن بتوانند

✎

✎ آن موقعی که دال را تشکیل می‌دادید و قطعاتش را می‌ساختید، چه موسیقی با گروه‌هایی بیشتر بره‌سنه اولیه کار شما تأثیر داشتند؟

شایان: اگر بگوییم از گروه‌ها و موسیقی‌هایی که قبل از ما بود تأثیر نگرفته‌ایم، دروغ است. چون هر موسیقی‌که از کودکی شنیده‌ایم تا تمام آنچه الان می‌شنویم، تک‌تک روی ضمیر ناخودآگاهمان تأثیر می‌گذارد. حتی پیش از آن که یک ملودی ساخته‌ام و احساس کرده‌ام شبیه به موسیقی فلان کارتونی است که در کودکی‌ام دیده‌ام، اتفاقاً آدم باهوش کسی است که اتفاقات پیرامونش را بررسی کند و طبق آن عکس‌العمل نشان دهد. ما هم از گروه‌هایی که قبل از ما بودند تأثیر گرفتیم اما نه به صورت مستقیم.

✎ کدام گروه‌ها یا موزیک‌ها برایتان الهام‌بخش بود؟

شایان: قبل از اینکه آهنگ‌سازی این گروه را شروع کنیم، به کارهای تلفیقی موسیقی جهانی خیلی گوش دادیم. مثل ظافر یوسف که تلفیق موسیقی جز و عربی است، و آویشای کوئن که تلفیق موسیقی عبری و اروپای شرقی با جز است و موسیقی‌های دیگری از این جنس بود که با هم به اشتراک می‌گذاشتیم. اما بیشترین تأثیر در نوع تنظیم کارها و رنگ‌بندی سازها را از این گروه‌ها گرفتیم.

✎ اینکه دال اولین گروهی نبود که این نوع موسیقی را معرفی کرد، باعث می‌شود عده‌ای کارتان را با قبلی‌ها مقایسه کنند و بگویند شبیه فلان گروه هستید. منظورم از تأثیر، این است.

شایان: در موسیقی غربی هم این را می‌بینید که حتی گروه‌های مطرح موسیقی هم از کارهای قبلی‌شان تأثیر پذیرفته و فضایی که قبلاً مطرح شده را ادامه داده‌اند. بعد از آن هم گروه‌های دیگر همین روال را طی کرده‌اند.

✎ اما تفاوت در تعداد کسانی است که این کارها را معرفی کرده و شنیده یا شناخته شده‌اند. چون تعداد کم است، ناخودآگاه این مقایسه پیش می‌آید. در حالی که درباره یک خواننده سنتی این اتفاق نمی‌افتد چون خواننده‌های بسیاری با سطح و توان‌های مختلف در جریان این موسیقی فعالیت می‌کنند.

شایان: اتفاقاً چند وقت پیش برای من هم این سؤال پیش آمده بود که آیا گروه‌های غربی هم این‌قدر به کار هم کار داشتند و برای هم خط و نشان می‌کشیدند و همدیگر را به چالش دعوت می‌کردند؟

✎ در تاریخ موسیقی غرب هم نمونه‌های قهر و آشتی و از این گروه به آن گروه رفتن و... خیلی زیاد است.

شایان: اینها هست. اما اینکه بگویند اول ما فلان چیز را آوردیم؛ نه، متأسفانه در

موسیقی . نمایش

پنجشنبه ۱۶ دی ۱۳۹۵ • سال چهاردهم • شماره ۲۷۹۹ • ۹

شرق روزنامه

دریچه

در نقد تک‌اجرای اپرت نمایشی «آرشین مال‌آلان»؛

روایتی ایرانی از قصه‌ای آذری

ستاره جاوید

بالرین‌های ایرانی «شیفتگان دل»، به سرپرستی «هایده کیشی‌پور» و سوپرانوخوانان ایرانی «آواز ملل»، به سرپرستی «شهرلا میلانی»، تک‌اجرای اپرت نمایشی «آرشین مال‌آلان» (Aršin Mal Alan) را نه‌هم دی روی صحنه تالار وحدت بردند.

خوانش‌هایده کیشی‌پور و شهرلا میلانی از این اپرت دراماتیک موزیکال نمایشی، هم خوانشی ایرانی و هم خوانشی بین‌المللی است. بالرین‌های کارآزموده «شیفتگان دل» با اجرایی ایرانیزه از باله مدرن بین‌المللی و تلفیق آن با حرکات موزون فولک ملی، روایتی ایرانی از یک قصه افسانه‌ای آذری را برای بانوان تهران اجرا کردند.

داستان «عسگر» قواره فروش، روایت تاجر ثروتمند نوگرایی است که برخلاف سنت رایج زمانه‌اش، برداشتی مینی‌مال و ساده، اما دلنشین و انتخاب کند و در این راه با مشکلاتی مواجه می‌شود. عسگر دارای عقاید روشنفکرانه و مدرن است و به توصیه دوست خود تغییر قیافه داده و به صورت پارچه‌فروش دوره‌گردی درمی‌آید که بتواند با فروش پارچه به زنان، همسر موردعلاقه خود را پیدا کند.

باله‌ای که شیفتگان دل با موزیک متن لایو و اجرای زنده گروه «آواز ملل» به نمایش درآوردند، برداشتی مینی‌مال و ساده، اما دلنشین و باوقار از باله مدرن غربی است که با حرکات فولک رقص‌های محلی ایران تلفیق شده و در نهایت محصولی که می‌بینید، خوانشی متفاوت و ایرانیزه از یک کار خارجی است. با اینکه سه قطعه از پنج قطعه اپرای کار به صورت لایو و آرسوی سوپرانوخوانان «آواز ملل» اجرا می‌شود و به زبان آذری است، اما ترکیب ایرانی حاصل شده به‌گونه‌ای است که حتی تماشاچیان فارسی‌زبان با... به‌راحتی می‌توانند با کار ارتباط برقرار کرده و درون‌مایه اثر نمایشی را درک کنند و هیچ‌وقت احساس کهنگی و تکراری بودن نکنند.

نقطه قوت در اثرگذاری اپرت نمایشی تلفیقی این دو گروه، استفاده از لباس ایرانی در اجرا و خوانش اپراگونه ایرانی از یک اثر بین‌المللی است. به این معنی که سرپرستان هر دو گروه – هایده کیشی‌پور و شهرلا میلانی – علاوه بر داشتن نگاه بین‌المللی در اجرای ایده، با تزیین این نگاه به یک روایت محلی و فولک غیرایرانی – آذربایجان روسیه – استفاده از طراحی لباس‌ها براساس لباس‌های کاملاً ایللیاتی و فولک ایرانی برگرفته از فرهنگ هزارتکه ایللیات آریایی، موفق شدند اثری تأثیرگذار در قالب حرکات نمایشی و موزیکال برای بانوان خلق کنند.



دیگر نقطه قوت این اثر تلفیقی، طراحی صحنه بسیار مینی‌مال و به عبارت بهتر، تهی از هر عنصر خارجی و در کنار آن بهره‌مندی از طراحی نور آرتیستیک و استفاده از کنتراست رنگ لباس‌ها در تضاد با نورپردازی‌هاست که به دیده‌شدن بهتر و خیال‌انگیزتر اثر نمایشی کمک کرده است. به این معنی که کیشی‌پور و میلانی نیک می‌دانند برای دیده‌شدن یک اثر نمایشی موزیکال و ارتباط برقرارکردن مخاطب با درون‌مایه اثر، نیازی به دست‌یازیدن به عناصر اضافه و پرطمطراق صحنه ندارند و فقط کافی است مخاطبان را در شرایطی قرار دهند که با قهرمان داستان – در اینجا عسگر و شهرزاد – همدات‌پنداری کنند. از طرفی برای اثرگذاریِ این اپرت دراماتیک همین بس که زیرمتن این اپرت معروف که حرف خودش را برای گفتن دارد و مشدود تهیه شد. این وافی برای نشاندن مخاطب روی صندلی است؛ به‌ویژه آنکه کوفت و این عشق و دلدادگی و وصال با موسیقی زنده ایرانی و پوشش‌های چشمگیر ایرانی همراه باشد و در پس‌زمینه صحنه، بالرین‌های جوان، تک‌تک شعرها و ملودی‌ها و نت‌ها را با حرکات موزون باله ایرانی برای مخاطب مجسم کنند و روایتی دیگرگونه از هنر باله و اپرای ایرانی را برای بانوان به نمایش درآورند. شهرت این داستان به درون‌مایه انتقادگونه‌ای است که از سده قبل آغاز و به برخی محدودیت‌های زن‌ستیز رایج در آن زمان، معترض شد. به‌جرت می‌توانم بگویم همین آزادی نسبی که زن امروز در ادبیات و فرهنگ ترک و در فرهنگ فارسی آریایی به آن دست یافته، حاصل تلاش‌ها و مبارزات اجتماعی متعددی بوده که از دست‌کم دو سده قبل آغاز شده و تا امروز ادامه دارد. داستان افسانه‌ای با تم اجتماعی آرشین مال‌آلان هم از آن دست روایت‌هایی است که شهرتشان را وامدار حرکت انتقادیگروه و جریان‌سازی است که از زبان هنر در سال ۱۹۱۳ خلق کرد و تا امروز ادامه دارد و بر هنرمندان و فیلم‌سازان بسیاری تأثیر گذاشته، به‌طوری‌که پنج نسخه سینمایی این اپرت نمایشی، در سینمای جهان خلق شده است.

آرشین مال‌آلان از داستان‌های مشهور فرهنگ آذربایجان است که در سال ۱۹۱۳ میلادی آرسوی «عزیز حاجی‌بیف»، موسیقی‌دان شهیر آذری، به صورت اپرای کوچک (Operetta) در دو پرده تهیه شد. این اپرا اولین‌بار در ۲۵ اکتبر ۱۹۱۳ در تئاتر تقی‌فی آذربایجان اجرا شد و یونسکو در سال ۲۰۱۳ صدمین سالگرد این اپرا را جشن گرفت.

ارزش هنری خوانش مشترک گروه بانوان شیفتگان دل» و «آواز ملل» از این اپرت جهانی، خوانش و اجرایی ایرانی از یک باله و اپرای غیرایرانی است. باله و اپرای ایرانی که تک‌اجرای آن را تماشا کردیم، هنری است که حرف خودش را برای گفتن دارد و مشدود تهیه شد. این از ماه‌ها و حتی سال‌ها قبل و در شرایط سخت نبود پلاتو برای تمرین گروه‌های بانوان، آغاز شده و بااین‌حال، در سایه حمایت‌های خودگردان و انگیزشی گروه‌های بانوان، خوشبختانه هنوز در تهران به خاموشی نگراییده و آهسته و پیوسته، اما به‌سختی، دارد مسیر پرفرازو فرود تعالی را طی می‌کند تا بتواند به‌عنوان یک باله باوقار ملی، به رقابت با سایر باله‌های بین‌المللی بپردازد و قد بکشد.

گالری گردی

گزارشی از نمایشگاه «تقی‌نسب»

خاطره‌نویسی بر درختان گالری مژه



شرق: نمایشگاه نقاشی‌های هادی تقی‌نسب با نام «این درخت‌ها به دل آدمی نزدیک‌ترند...»، عصر جمعه، ۱۰ دی در گالری مژه افتتاح شد. هادی تقی‌نسب در نمایشگاه انفرادی خود ۱۹ اثر را که با تکنیک رنگ روغن و ترکیب مواد روی بوم خلق شده‌اند به نمایش گذاشته است. تقی‌نسب در تابلوهای آبستره خود سطوحی از رنگ را نمایش داده است که برخلاف انتظار بیننده، نشانی از درخت در آنها دیده نمی‌شود، اما با اندکی تأمل می‌توان ستون‌های عمودی‌رنگ را به‌مثابه تنه درختانی دید که از زمین تا آسمان سرکشیده‌اند. در همه این تابلوها عناصر یکسانی تکرار شده و تخیل بیننده را برای کشف منازری پنهان تحریک می‌کنند. سطوح تابلوها با ترکیب مواد برجسته شده و روی آنها را نوشته‌های ناخوانا و درهمی پوشانده است که مفهوم یادگاری‌نویسی و کنده‌کاری روی درخت را نمایان می‌کند. تابلوها ابعاد بزرگ دارند و رنگ‌های درخشان برگرفته در نقاشی‌ها، تاش‌های رنگ سفید که طیف نور را به خاطر می‌آورند و چشم‌هایی که در تعدادی از تابلوها در میان درختان دیده می‌شوند، مخاطب را به کشف جهانی دیگر می‌کشاند.

تقی‌نسب درباره نحوه شکل‌گیری این مجموعه گفت: وجه حسّی این مجموعه برای من دست‌تکان‌دادن به کسانی است که از آنها فاصله دارم و درعین‌حال، خیلی برای من عزیز هستند. از سوی دیگر مفهوم یادگاری‌نویسی روی دیوار یا درخت را در نظر داشتم و به این فکر کردم که اگر قرار بود روی درخت چیزی بنویسم چه می‌کردم، بنابراین این تابلوها را به درخت‌های خودم تبدیل کردم تا چیزهایی را که برای مهم است روی آنها بنویسم. بعد این مفهوم را بسط دادم و وارایسیون‌های مختلفی برای آن در نظر گرفتم و مجموعه‌ای را شکل دادم که در عین اینکه هرکدام مستقلند و به‌تنهایی می‌توانند دیده شوند، ولی یک پیوستگی زریبن و عمیق میان آنها وجود دارد و حتی می‌توان این مجموعه را یک کار مفهومی در نظر گرفت.

او درباره اینکه هیچ درخت طبیعی‌ای در این تابلوها دیده نمی‌شود، اضافه کرد: من نقاش رئالیست نیستم و دلم می‌خواست درختانی را که در ذهنم دارم نمایش دهم. درواقع مسئله من درخت یا خاطراتم نیست، بلکه پذیرایی تماشا‌ی درخت‌های خاطر است. بنابراین باید یک وجه ذهنی پیدا می‌کرد که شاخ و برگ و سایه و... ندارد. در این کارها از درخت فقط ستون‌هایی می‌بینیم و بازی‌های نور و رنگ باعث شد درختان وجه ذهنی پیدا کنند. حتی در عنوان نمایشگاه نیز تأکید شده است که «این درخت‌ها...» و منظور من این بود که درختان این مجموعه به دل آدمی نزدیک هستند و نه هر درختی.

نمایشگاه «این درخت‌ها به دل آدمی نزدیک‌ترند...» تا ۲۰ دی در گالری مژه به نشانی سعادت‌آباد، خیابان علامه شمالی، خیابان ۱۸ شرقی، پلاک ۲۷، رنگ یک دایر آری، به اسم «دم‌دم» که ساز بوشهری شبیه دمام است، با ساز «جیمبی» آفریقایی جفت می‌شود. اگر اصالتی که از گذشته داریم را در کنار شناختی که از موسیقی غربی داریم بگذاریم و در تاروپود موسیقی‌مان بگنجانیم، می‌توانیم موسیقی‌ای را که امروز به اسم موسیقی تلفیقی می‌شناسیم، تقویت کنیم.

^[1] تقی‌نسب با نام «این درخت‌ها به دل آدمی نزدیک‌ترند...»، عصر جمعه، ۱۰ دی در گالری مژه افتتاح شد

^[2] تقی‌نسب در تابلوهای آبستره خود سطوحی از رنگ را نمایش داده است که برخلاف انتظار بیننده، نشانی از درخت در آنها دیده نمی‌شود، اما با اندکی تأمل می‌توان ستون‌های عمودی‌رنگ را به‌مثابه تنه درختانی دید که از زمین تا آسمان سرکشیده‌اند

^[3] تقی‌نسب در تابلوهای آبستره خود سطوحی از رنگ را نمایش داده است که برخلاف انتظار بیننده، نشانی از درخت در آنها دیده نمی‌شود، اما با اندکی تأمل می‌توان ستون‌های عمودی‌رنگ را به‌مثابه تنه درختانی دید که از زمین تا آسمان سرکشیده‌اند